**دايرة المعارف قرآن كريم    ج‏2    250**

وعده يارى و پيروزى در جنگ:

از برخى آيات استفاده مى‏شود كه خداوند، پيش از احُد به مسلمانان وعده يارى و پيروزى در اين جنگ را داده بود[[1]](#footnote-1) و تا آن زمان كه مؤمنان از دستورهاى پيامبر صلى الله عليه و آله پيروى مى‏كردند، به وعده‏

دايرة المعارف قرآن كريم، ج‏2، ص: 251

خويش وفا كرد؛[[2]](#footnote-2) امّا سستى و نافرمانى مسلمانان باعث تغيير سرنوشت جنگ شد: «وَ لَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذا فَشِلْتُمْ وَ تَنازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَ عَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ما أَراكُمْ ما تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيا وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ...». (آل‏عمران/ 3، 152) به گفته مشهور مفسّران، خداوند تا آن هنگام كه پاسداران كوه عينين سنگرشان را رها نكردند، به وعده‏اش عمل كرد.[[3]](#footnote-3)

درباره اين‏كه خداوند در كجا به مسلمانان چنين وعده‏اى داده چند نظر است:

1. از آيات متعدّدى استفاده مى‏شود كه خداوند، مؤمنان و كسانى كه او را يارى كنند، يارى مى‏كند. (محمد/ 47، 7؛ حج/ 22، 40 و ...)[[4]](#footnote-4)

2. رسول خدا پيش از جنگ، به مسلمانان وعده پيروزى داده بود و وعده رسول خدا، همان وعده الهى است.[[5]](#footnote-5)

3. خداوند پيش از جنگ با نازل كردن آياتى بر پيامبرش، به مؤمنان در اين جنگ وعده يارى داده بود. برحسب بعضى نقل‏ها، آن هنگام كه مؤمنان مشركان را مشاهده كردند، به پيامبر گفتند:

آيا خداوند ما را در اين جنگ يارى نمى‏كند آن‏طور كه در غزوه بدر كمك كرد؟ حضرت فرمود[[6]](#footnote-6):

«... أَ لَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلاثَةِ آلافٍ مِنَ الْمَلائِكَةِ مُنْزَلِينَ» (آل‏عمران/ 3، 124)، و همچنين در آيه 125 خداوند به مؤمنان وعده يارى و كمك داده است به شرط آن‏كه تقوا و صبر را پيشه كنند[[7]](#footnote-7): «بَلى‏ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هذا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلافٍ مِنَ الْمَلائِكَةِ ...». به گفته بعضى از مفسّران وعده يارى خداوند به وسيله ملائكه در اين آيات به غزوه احُد مربوط است؛ امّا از آن‏جا كه مسلمانان از جنگ گريختند، خداوند به آن‏ها كمك نكرد.[[8]](#footnote-8)

برحسب نقلى ديگر فقط وعده يارى به وسيله 5000 فرشته در آيه 125 آل‏عمران به احد مربوط است و وعده يارى به وسيله 3000 فرشته به غزوه بدر ارتباط دارد.[[9]](#footnote-9)

گرچه وعده يارى مؤمنان به وسيله ملائكه در احد از آيات استفاده مى‏شود، به گفته ابن‏عبّاس، ملائكه\* جنگ نكردند، مگر در غزوه بدر.[[10]](#footnote-10) از طرفى ديگر، عدم نزول ملائكه در احد مورد اتّفاق مفسّران نيست. به گفته مجاهد، ملائكه در احد نازل شدند؛ امّا نجنگيدند.[[11]](#footnote-11) در اين خصوص، به‏

دايرة المعارف قرآن كريم، ج‏2، ص: 252

رواياتى هم استشهاد شده است.[[12]](#footnote-12)

**دايرة المعارف قرآن كريم    ج‏8    536**

د. وعده پيروزى اسلام بر اديان:

وعده پيروزى اسلام بر همه اديان به روشنى در قرآن آمده است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدى‏ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ...».[[13]](#footnote-13) (توبه/ 9، 33؛ صفّ/ 61، 9؛ فتح/ 48، 28؛ نيز ر. ك:

نور/ 24، 55) در برخى روايات نيز آيه 33 توبه/ 9 درباره قائم آل محمد، حضرت مهدى معرفى شده است.[[14]](#footnote-14) علامه طباطبايى معتقد است كه جامعه آرمانى ترسيم شده در آيه 55 نور/ 24 جز بر مجتمع موعود دوران ظهور منطبق نيست.[[15]](#footnote-15) اين آيه در رواياتى فراوان درباره ظهور حضرت مهدى معرفى شده است.[[16]](#footnote-16)

وعده پيروزى اسلام بر ساير اديان در نامه رسول اكرم صلى الله عليه و آله به حاكم مسيحى يمامه‏[[17]](#footnote-17) و در سخنان على عليه السلام در مناظره با عالمى يهودى‏[[18]](#footnote-18) و در پاسخ مشاوره عُمَر درباره جنگ با ايران‏[[19]](#footnote-19) نيز آمده است.

برخى، احتمال داده‏اند كه ضمير در «لِيُظْهِرَهُ» به پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله بازمى‏گردد.[[20]](#footnote-20) در اين صورت آيه بدين معناست كه خدا، علم همه اديان را به رسول خود بياموزد. اين معنا را شيخ طوسى از ابن عباس نقل كرده است.[[21]](#footnote-21)

پاسخ اين است كه اولًا چنان‏كه خود ايشان گفته «غلبه» ظاهرترين معناى متبادر به ذهن از فعل‏ «لِيُظْهِرَهُ» است.[[22]](#footnote-22) ثانياً معناى علم و آگاهى براى‏ «لِيُظْهِرَهُ» با ذيل آيه 33 توبه/ 9: «وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» سازگار نيست، زيرا آنچه مورد خشم مشركان و كافران است، پيروزى اسلام بر ديگر اديان است نه آگاهى پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله از اديان. ثالثاً حتى اگر ضمير «لِيُظْهِرَهُ» به رسول خدا صلى الله عليه و آله باز گردد مى‏توان معناى تفوق اسلام بر ديگر اديان را از آن استفاده كرد، زيرا مى‏تواند بدين معنا باشد كه «خداوند رسول خود را بر همه پيروان اديان غالب گردانَد»، چنان كه زمخشرى آن را برگزيده است.[[23]](#footnote-23)

چنانچه اديان در عرض هم از حقانيت برخوردار باشند، غلبه يك دين بر ديگر اديان هيچ توجيهى ندارد.

منسوخ شمردن آيين‏هاى اهل كتاب و ابطال‏

دايرة المعارف قرآن كريم، ج‏8، ص: 537

پلوراليسم دينى به صورت روشن در روايات اهل بيت عليهم السلام آمده است.[[24]](#footnote-24)[[25]](#footnote-25)

1. ( 10). تفسير ابن كثير، ج 1، ص 420 [↑](#footnote-ref-1)
2. ( 1). جامع البيان، مج 3، ج 4، ص 169 [↑](#footnote-ref-2)
3. ( 2). جوامع‏الجامع، ج 1، ص 211؛ جامع‏البيان، مج 3، ج 4، ص 169 و 171 [↑](#footnote-ref-3)
4. ( 3). المنار، ج 4، ص 181 [↑](#footnote-ref-4)
5. ( 4). مجمع‏البيان، ج 2، ص 858؛ جامع‏البيان، مج 3، ج 4، ص 166؛ تاريخ طبرى، ج 2، ص 60 [↑](#footnote-ref-5)
6. ( 5). جامع‏البيان، مج 3، ج 4، ص 105 [↑](#footnote-ref-6)
7. ( 6). مجمع البيان، ج 2، ص 858 [↑](#footnote-ref-7)
8. ( 7). جامع‏البيان، مج 3، ج 4، ص 105 [↑](#footnote-ref-8)
9. ( 8). التبيان، ج 2، ص 579 [↑](#footnote-ref-9)
10. ( 9). مجمع البيان، ج 2، ص 828 [↑](#footnote-ref-10)
11. ( 10). المغازى، ج 1، ص 235؛ البحرالمحيط، ج 3، ص 331 [↑](#footnote-ref-11)
12. مركز فرهنگ و معارف قرآن، دايرة المعارف قرآن كريم، 10جلد، بوستان كتاب قم (انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم) - ايران - قم، چاپ: 3، 1382 ه.ش. [↑](#footnote-ref-12)
13. ( 2). الميزان، ج 9، ص 247 [↑](#footnote-ref-13)
14. ( 3). تفسير قمى، ج 1، ص 289؛ البرهان، ج 2، ص 770؛ بحارالانوار، ج 24، ص 336 [↑](#footnote-ref-14)
15. ( 4). الميزان، ج 15، ص 155-/ 156 [↑](#footnote-ref-15)
16. ( 5). البرهان، ج 4، ص 89؛ الصافى، ج 3، ص 444؛ الميزان، ج 15، ص 160 [↑](#footnote-ref-16)
17. ( 6). مكاتيب الرسول، ج 2، ص 343 [↑](#footnote-ref-17)
18. ( 7). بحارالانوار، ج 10، ص 44؛ ج 16، ص 347، بااندكى تفاوت [↑](#footnote-ref-18)
19. ( 8). نهج البلاغه، خطبه 146. نيز ر. ك: الميزان، ج 15، ص 160، با اندكى تفاوت [↑](#footnote-ref-19)
20. ( 9). قرآن پژوهى، ص 546 [↑](#footnote-ref-20)
21. ( 10). التبيان، ج 5، ص 209 [↑](#footnote-ref-21)
22. ( 11). قرآن پژوهى، ص 546 [↑](#footnote-ref-22)
23. ( 12). الكشاف، ج 2، ص 265 [↑](#footnote-ref-23)
24. ( 1). براى نمونه ر. ك: الكافى، ج 5، ص 351؛ الاستبصار، ج 4، ص 254؛ وسائل الشيعه، ج 28، ص 325؛ كنزالعمال، ج 1، ص 90؛ السنن الكبرى، ج 12، ص 396؛ مجمع الزوائد، ج 6، ص 261؛ المحلى بالآثار، ج 11، ص 188 [↑](#footnote-ref-24)
25. مركز فرهنگ و معارف قرآن، دايرة المعارف قرآن كريم، 10جلد، بوستان كتاب قم (انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم) - ايران - قم، چاپ: 3، 1382 ه.ش. [↑](#footnote-ref-25)